

مرقد حضرت زینب (س)، کنکاشی دوباره

<?xml encoding="UTF-8">

از جمله امور مورد اختلاف میان پژوهشگران، محل دفن حضرت زینب کبری (س) است. با بررسی کتابها و نظریات مختلف، به این نتیجه رسیدیم که:

(الف) بیشتر نظریات، بر اساس تحقیقات ناقص است و نمی توان به نتیجه گیری آنها اعتماد کرد.
(ب) بعضی نویسندگان مصری و شامی از ابتدای تحقیق بنا دارند ثابت کنند زینب کبری (س) در وطن آنها مدفون است و چنین بنایی در نتیجه گیری آنها تأثیر گذاشته است.

(ج) بسیاری از محققان، بدون مراجعه به منابع اصلی و دست اول، به گفته واسطه ها اعتماد می کنند؛ در حالی که با مراجعه به منابع اصلی متوجه شدیم بسیاری از نسبتها نادرست است و گاه صدر یا ذیل مهمی دارند که از قلم افتاده است. همچنین گاه به نسخه ای خطی استناد می کنند که معلوم نیست وجود خارجی داشته باشد. بنابر این به هیچ یک از نقلهای واسطه نباید اعتماد کرد.

(د) برخی محققان وقتی وارد بحث می شوند وظیفه خود می دانند که جایی را به عنوان مزار حضرت تعیین کنند و لذا به ناچار یک طرف را می گیرند و هر طور شده ثابت می کنند که در فلان جا مدفون است؛ در حالی که لزومی ندارد محقق بی طرف، محل دفن را تعیین کند.

گسترده ترین تحقیقی که در مورد مدفون زینب کبری یافتیم کتاب «مرقد العقیله زینب»، (1) تألیف محمد حسنین سابقی است که نویسنده به این نتیجه رسیده که مزار آن حضرت در دمشق است. اما لغزشهای مهمی در این کتاب دیده می شود که در این مقاله به بعضی از آنها اشاره می کنیم. امید است توفیق نصیب شود و در مقاله ای جداگانه به نقد و بررسی این کتاب بپردازیم.

مصر، کهن ترین نوشته ها

جهت بررسی مرقد زینب کبری در مصر، منابع را به ترتیب تألیف، مورد بررسی قرار می دهیم:

(الف) کتاب اخبار الزینبات

قدیمی ترین کتابی که ادعا شده مدفون زینب کبری (س) را ذکر کرده، کتاب اخبار الزینبات، تألیف ابوالحسن یحیی بن حسن معروف به عبیدلی (214 - 277ق) است و در آن، زنان صحابی و زنان اهل بیت که نامشان «زینب» است، معرفی شده اند. این کتاب اولین بار توسط سید حسن محمد قاسم مصری به ضمیمه کتاب «سیده زینب» در سال 1333ق چاپ شد. براساس گفته او نسخه خطی آن را از شام یافته و متن کامل را در کتاب مذکور آورده است. همچنین مستقلاً به اهتمام سید محمد جواد مرعشی نجفی چاپ شد.

طبق روایات «اخبار الزینبات»، زینب کبری در مدینه مردم را به قیام علیه حکومت دعوت می کرد و وقتی خبر به یزید رسید، دستور داد او را از مردم دور کنند. لذا به حضرت اعلام کردند که از مدینه خارج شود و هر جا که خواست سکنی گزیند. حضرت نیز مصر را انتخاب و در خانه مَسْلَمَة بن مخلد (م62ق) ساکن شد. پس از یازده ماه و پانزده روز در سال 62ق وفات یافت و در خانه مسلمة مدفون گردید. در اخبار الزینبات می خوانیم:

«بالسند المرفوع إلى رقية بنت عقبة بن نافع الفهري قالت: كنت في من استقبل زينب بنت علي لما قَدِمَتْ مصر بعد المصيبة. فتقدّم إليها مسلمة بن مخلد و عبدالله بن الحارث و أبوعميرة المزني فعزّاهما مسلمة و بكى فبكت و بكى الحاضرون. و قالت: هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون.

ثم احتملها إلى داره بالحمراء. فأقامت به أحد عشر شهراً و خمسة عشر يوماً و توقّيت و شهدت جنازتها و صلّى عليها مسلمة بن مخلد في جمع بالجامع و رجعوا بها فدفنوها بالحمراء بمخدعها من الدار بوصيتها.

حدثني إسماعيل بن محمد البصري - عابد مصر و نزيلها - قال: حدثني حمزة المكفوف قال: أخبرني الشريف أبو عبدالله القرشي قال: سمعت هند بنت أبيرافع بن عبدالله بن رقية بنت عقبة بن نافع الفهري تقول:

توقّيت زينب بنت علي عشية يوم الأحد لخمسعة عشر يوماً مضت من رجب سنة 62 من الهجرة و شهدت جنازتها و دفنت بمخدعها بدار مسلمة المستجدة بالحمراء القصوى حيث بساتين عبدالله بن عبدالرحمن ابن عوف الزهري؛ (2)

رقية دختر عقبه می گوید: هنگامی که زینب دختر علی (ع) بعد از مصیبت کربلا به مصر آمد، من در میان استقبال کنندگان از او بودم. مسلمة بن مخلد و عبدالله بن حارث و ابوعميرة مزنی پیش رفتند و مسلمة تعزیت گفت و آن دو و حاضران گریستند. سپس حضرت زینب این آیه را تلاوت فرمود: «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون.»

سپس مسلمة حضرت را به خانه اش در حمراء برد. زینب کبری به مدت یازده ماه و پانزده روز در آنجا ماند تا اینکه وفات یافت. من در تشییع جنازه حاضر بودم. مسلمة در مسجد جامع بر او نماز خواند و بدن را به حمراء باز گرداندند و طبق وصیتش در استراحتگاه او در همان خانه دفن کردند.

هند دختر ابورافع می گوید: زینب دختر علی (ع) در یکشنبه شب، پانزدهم رجب سال 62 هجری از دنیا رفت. من در تشییع جنازه او حاضر بودم و در استراحتگاهش در خانه مسلمة در حمراء در باغهای عبدالرحمان بن عوف زهري مدفون گردید.

ایرادات متعددی بر کتاب اخبار الزینبات وارد است که اعتبار آن را زیر سؤال می برد و جعلی بودن آن را تقویت می کند. برخی شواهد که از این امر حکایت می کند عبارتند از:

چه شد این خبر مهم از دیگر معاصران عبیدلی مخفی ماند؟! محمد بن ربیع جیزی که پدرش از اصحاب امام شافعی (م204ق) بوده نام بیش از صد صحابی را که وارد مصر شدند، در کتابش آورده (3) اما نامی از حضرت زینب نبرده است. اگر چنین بود، نام آن حضرت در صدر واردین به مصر قرار می گرفت. چنین خبری از مورخان بزرگ پس از این دوره نیز مخفی ماند. چه شد که حتی خلفای فاطمی نیز از این امر با خبر نشدند و به مرقد حضرت توجه نکردند؟!

در حالی ادعا شده که مسلمة بن مخلد به استقبال زینب کبری رفت و به او تسلیت گفت و سپس او را به خانه اش برد و ... که مسلمة از زمره دشمنان امیرالموءمنین (ع) به شمار می رفت. (4) معاویه در نامه ای او را به خونخواهی عثمان دعوت کرد و او هم دعوت معاویه را اجابت کرد. (5) در زمان حکومت معاویه از سوی او و پس از او از سوی یزید والی مصر بود (6) و پس از مرگ معاویه برای یزید در مصر بیعت گرفت. (7)

با توجه به سابقه مسلمة بن مخلد و اینکه او در زمان ورود زینب کبری به مصر - به فرض صحت آن - از سوی یزید والی مصر بود، چگونه ممکن است از حضرت به گونه ای پذیرایی کند که او را در خانه اش به مدت یک سال ساکن کند و حضرت هم بپذیرد؟!

از اینها گذشته مسلمه از افراد برجسته است و شرح حال او در منابع مضبوط است و سکونت یک ساله شخصیتی مثل زینب کبری در خانه او امر مهمی است که اگر اتفاق می افتاد عادتاً ثبت می شد در حالی که چنین نیست. به عنوان نمونه در «النجوم الزاهرة»، جلد 1، از صفحه 132 تا 157 شرح حال مفصل مسلمه آمده اما اشاره ای به قضیه استقبال او از زینب کبری در آن نیست. همچنین این اتفاق از دید نویسندگان شرح حال زینب کبری دور نمی ماند.

متن تعداد زیادی از روایات آن با روایات طبقات کبری تألیف محمد بن سعد همانند است و اختلافات جزئی ویرایشی با هم دارند؛ در حالی که سند آنها از ابتدا تا انتها مختلف است. روشن است که عادتاً محال است دو نفر گزارش واقعه ای را بنویسند، اما الفاظ آنها همانند باشد.

از اینها گذشته عبیدلی نسابه معروفی است که نخستین تألیف در انساب را دارد و شرح حالهای فراوانی از او در منابع متعدد آمده است. تا پیش از چاپ اخبار الزینبات در سال 1333ق، در هیچ کتابی نام آن نیامده است و حتی نوشته اند که او در باره معرفی زینبها کتابی تدوین کرده است. اما پس از سال 1333 نام آن در کتابها راه یافت.

نگارنده در حال تدوین مقاله ای در مورد این کتاب است و با شواهدی دیگر نیز نشان خواهد داد که آن ساخته و پرداخته افرادی در صد سال اخیر است و هدف آنها این بوده که ثابت کنند مرقد زینب کبری در مصر است. چاپ این کتاب، سبب شد عده ای از صاحب نظران بر این عقیده شوند که آن حضرت در مصر مدفون است. (8) (ب) کتاب سیده زینب

بنا به ادعای حسن محمد قاسم مصری در کتاب «سیده زینب»، ابو عبدالله محمد کوهینی فاسی اندلسی در محرم 369ق طی سفر به مصر، مزار زینب کبری را زیارت کرد. وی می نویسد:

«دخلنا مشهد زینب بنت علی فوجدناه داخل دار کبيرة و هو فی طرفها البحری لیشرق علی الخلیج. فنزلنا إلیه بدرج و عاینّا الضریح فوجدنا علیه دربوذاً قیل لنا: إنه من القماری و استبعدنا ذلک و لکن شممنا رائحة طيبة و رأینا علی الضریح قبة بناءها من الجص و رأینا فی صدر الحجرة ثلاثة محاریب أطولها الذی فی الوسط و علی ذلک منقوش غاية فی الإتقان یعلو باب الحجرة زلیجة قرأنا فیها بعد البسملة:

إن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحداً. هذا ما أمر به عبدالله و ولیّه أبوتمیم أميرالمؤمنین الإمام العزیز بالله - صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهیرین وأبناءه المکرمین - بعمارة هذا المشهد علی مقام السیدة الطاهرة بنت الزهراء البتول زینب بنت الإمام علی بن أبیطالب - صلوات الله علیها و علی آبائها الطاهیرین و أبنائها المکرمین؛ (9) وارد زیارتگاه زینب دختر علی (ع) شدیم که در خانه ای بزرگ در کنار دریا قرار داشت. از پله ها پایین رفتیم و ضریحی با نرده در اطراف آن دیدیم. به ما گفتند: ضریح از درخت عود قماری است، اما باور نکردیم و از بوی خوشش استشمام کردیم. بالای ضریح گنبدی گچی دیدیم. در یک طرف، سه محراب قرار گرفته بود که بلندترین آنها در وسط واقع شده بود و بر بالای در حجره، پس از «بسم الله» این عبارات را دیدیم:

مساجد برای خداست و دیگری را با خدا نخوانید. بنده و دوست خدا ابوتمیم امیرالمؤمنین امام عزیز بالله، دستور ساخت این زیارتگاه را بر مزار بانوی پاک، دختر زهرا ی بتول (س)، زینب دختر امام علی بن ابی طالب (ع) صادر کرده است.»

بنا به نوشته محمد زکی ابراهیم (10) نسخه خطی این سفرنامه در کتابخانه عارف بک در مدینه نگهداری می شود. به فرض که بپذیریم گزارش سفر محمد کوهینی در نسخه ای خطی وجود داشته باشد، این اشکال مهم

باقی می ماند که چرا مرقدی با این عظمت از دید دیگر مورخان و سیّاحان در عصر او و پس از او مخفی مانده است؟!

ج) الطبقات الكبرى

عبدالوهاب شعرانی (م973ق) به استناد گفته شیخ علی مجذوب نوشته است که شخص مدفون در مصر زینب کبری است. (11)

شعرانی به جز گفته علی مجذوب، سند دیگری نشان نداده است. علی مجذوب از مشایخ صوفیه است که سواد خواندن و نوشتن نداشت و ادعا شده که محل کشفیات او لوح محفوظ است! (12) نیازی به توضیح ندارد که چگونه می توان به این گونه ادعاها اعتنا کرد؟!

به نظر می رسد نخستین نوشته مکتوب در مورد اینکه مدفن زینب کبری در مصر است، کتاب الطبقات الكبرى در قرن دهم است و سپس به کتابها راه یافت.

شواهدی بر نبود مرقد زینب کبری (س) در مصر

الف) انکار ورود فرزندان بلافصل امام علی (ع) به مصر

بعضی مورخان مصری یادآور شده اند که هیچ کدام از فرزندان صلبی امام علی (ع) به مصر نرفته اند؛ از جمله:

- نورالدین علی بن احمد سخاوی که ابن زیات (م814ق) از مشایخ اوست، می نویسد:

«قیل: إنها (سکینه بنت زین العابدین بن الحسین بن علی) أول علوية قدمت إلى مصر؛ (13)

می گویند: سکینه دختر امام زین العابدین (ع) اولین علوی است که وارد مصر شد.»

علی مبارک پاشا نیز از سخاوی چنین نقل می کند:

«إن المنقول عن السلف إنه لم يمت أحد من أولاد الإمام علی لصلبه بمصر؛ (14)

از پیشینیان نقل شده که هیچ کدام از فرزندان بی واسطه امام علی (ع) در مصر از دنیا نرفته اند.»

اگر مزار زینب کبری در زمان تدوین این کتاب در مصر بود، سخاوی چنین قولی را رد می کرد. ظاهراً در زمان تدوین

این کتاب هنوز مزار معروف در مصر را به زینب کبری نسبت نداده بودند و الا در این باره توضیحی می داد.

- ابن دقماق (م792ق) و مقریزی (م845ق) نخستین علوی را که وارد مصر شد، محمد بن علی بن محمد بن

عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب دانسته اند که در سال 145ق و در زمان حکومت یزید بن حاتم

مهلبی بوده است. (15)

- شمس الدین محمد بن ناصرالدین مصری معروف به ابن زیات (م814ق) از حسن بن ابراهیم زولاق (م387ق)

نقل می کند:

«إن أول من دخل مصر من ولد علی - کرم الله وجهه - سکینه بنت الحسین بن علی - رضی الله عنهم؛ (16)

اولین شخص از فرزندان علی (کرم الله وجهه) که وارد مصر شد، سکینه دختر علی بن حسین بود.»

- ابن زیات می نویسد:

«لم أر أحداً من أرباب التاريخ صحّح مشهداً بغير القرافة من مشاهد أولاد علی بن أبي طالب - رضی الله عنه - إلا

المشهد النفیسی لأنها أقامت به فی أيام حیاتها و حفرت قبرها بیدها - رضی الله عنها؛ (17)

در میان مورّخان کسی را نیافتم که در میان زیارتگاههای فرزندان علی بن ابی طالب (رض) در غیر قرافه مزاری را

تأیید کند، مگر مزار سیده نفیسه؛ زیرا او در آنجا سکونت داشت و قبر خود را به دست خویش حفر کرد.»

(ب) عدم اعتنای خلفای فاطمی

فاطمیها در مصر به قبور اهل بیت (ع) توجه زیادی داشتند و به احیای آنها اقدام می کردند. خلفای فاطمی روز عاشورا را گرامی می داشتند و تنها در مزار این علویات تجمع کرده به نوحه سرایی می پرداختند: زیارتگاه سیده نفیسه، کلثم دختر محمد بن جعفر صادق و زینب دختر یحیی متوج بن حسن انور.

اگر مزار زینب کبری در مصر بود، چگونه پذیرفتنی است که مورد توجه خلفای فاطمی نباشد؟! کمترین آشنایی با آنان نشان می دهد که چنین امری غیر ممکن است. (18)

(ج) عدم ذکر مرقد در منابع مورد انتظار

اگر مزار آن حضرت در مصر بود مسلماً افراد زیر در کتابشان ذکر می کردند: (19)

- محمد بن ربیع جیزی پدرش از اصحاب شافعی (م204ق) بوده است. او کتابی داشته که در آن نام حدود صد و پنجاه صحابی را که وارد مصر شدند، آورده است. سیوطی تمام آن اسامی را در «حسن المحاضرة فی تاریخ مصر و القاهرة» ذکر کرده و با تحقیقی که خود نیز انجام داده، تعداد آنها را به سیصد تن رسانده و همه آنها را آورده. در میان آنها نامی از حضرت زینب نیست. (20)

- مجدالدین بن ناسخ مصری (م ح 800) کتاب «مصباح الدیاجی و غوث الراجی» را در مزارات مصر نوشت. نسخه خطی آن در کتابخانه تیموری در قاهره به شماره 84 موجود است. در این کتاب آمده که قبر سیده زینب در قناطر السباع مصر است و یادآور شده که آن از قبور رؤیا (21) است. (22)

از این مطلب به دست نمی آید در زمان تألیف کتاب فوق، مرقد زینب کبری در مصر مشهور بوده است؛ زیرا نام پدر یا مادر او ذکر نشده است و می دانیم زینبهای متعدد در مصر مدفونند.

- ابن زیات (م814ق) کتاب «الکواکب السیارة» را در زیارتگاههای مصر نوشت و در آن از زینبهای متعدد نام برده است؛ اما نامی از زینب کبری در آن نیست.

- ابراهیم بن علی مخزومی (م891ق) کتاب «الفضائل الباهرة فی محاسن مصر و القاهرة» را تدوین کرد و در آن، توجه مردم به ضریح سیده نفیسه آمده؛ اما خبری از ضریح زینب کبری نیست.

- شمس الدین محمد سخاوی مصری (م902ق) کتابی در مورد زینب کبری نگاشت؛ اما ذکری از وجود مزار آن حضرت در مصر نیست. حتی علی پاشا مبارک در «الخطط التوفیقیة، ج5، ص11» از او نقل کرده که هیچ کدام از فرزندان بی واسطه امام علی (ع) در مصر از دنیا نرفته اند.

- سیوطی (م911ق) در «حسن المحاضرة» به تفصیل به مزارات مصر پرداخته است و نیز کتاب «الزینبیه فی سلاله الزینبیه» را نگاشت که در هیچ کدام اشاره ای به مدفن حضرت در مصر نیست.

- محمد بن علی بن میسر (م677ق) به تفصیل تاریخ مصر را نوشته است؛ اما در آن، مرقد زینب کبری در مصر مضبوط نیست.

- ابوالحسن علی بن ابی بکر هروی (م611ق) از گردشگرانی است که در مصر به سیاحت پرداخت و در کتاب «الاشارات فی معرفة الزیارات» نام مزارات مصر را ذکر کرده؛ اما از مرقد زینب کبری نام نبرده است.

- محمد بن احمد بن جبیر (م614ق) در مصر سیاحت کرد و نام مشاهد آنجا را بدون ذکر مرقد زینب کبری، در سفرنامه اش ضبط کرد.

- ابن شاهین ظاهری (م873ق) در کتاب «زبدۃ کشف السالک»، صفحه 36، مشاهد و قبور صحابه و بزرگان مصر

را نوشته؛ اما از زینب کبری در این کتاب خبری نیست.

- جمال الدین ابوالمحاسن یوسف بن تغری (م704ق) در «النجوم الزاهرة فی اخبار ملوک مصر و القاهرة» از ورود سیده نفیسه به مصر سخن گفته اما ذکر از زینب کبری به میان نیاورده است.

- ابن دقماق ابراهیم بن محمد (م792ق) در «الانتصار لواسطة عقد الامصار» به تفصیل در مورد اماکن مصر نوشت؛ اما نه تنها مرقد زینب کبری را ذکر نکرده بلکه می نویسد: علی بن محمد بن عبدالله بن حسن مثنی نخستین علوی است که در سال 145 وارد مصر شد.

- یاقوت بن عبدالله حموی (م624ق) به مصر رفت و مزارات معروف آنجا را ضبط کرد؛ اما از مرقد زینب کبری خبر نداده است.

- ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن بطوطه (م777ق) در مصر به سیاحت پرداخت و مزارات را در سفرنامه اش آورد به جز زیارتگاه زینب کبری.

نتیجه:

از آنچه گذشت به دست می آید که نمی توان به ادعای دفن زینب کبری در مصر اعتماد کرد. زنان علوی و غیر علوی به نام زینب در مصر فراوانند و نیز عادت خاص و عام است که سادات را به پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نسبت می دهند، هرچند واسطه در بین است. چه بسا این امر سبب شده مزار معروف در مصر به زینب کبری نسبت داده شود.

در خور توجه است که علی پاشا مبارک (م1311ق) متن کتیبه های بارگاه زینب کبری در مصر را آورده است. یکی از کتیبه ها که در سال 1173 نوشته شده، چنین است:

«هذا المقام الهاشمية النبوية السيدة زينب بنت فاطمة الزهراء المصطفوية بضعة سيد الأنام خير البرية. تاريخ انتقالها سنة خمس و مائة من الهجرة النبوية - عليهم تسليمات رحمانية؛ (23)

اینجا مقام هاشمیه نبویه سیده زینب دختر فاطمه زهرا پاره تن سرور مردم و بهترین انسانها است. تاریخ انتقال او سال 105 هجری است.»

روشن است که زینب کبری در سال 105 حیات نداشت تا به مصر برود. این نوشته می تواند یکی از نشانه های این باشد که مدفون در مصر زینب دیگری از اهل بیت است.

دمشق

بررسی را از قدیم ترین تاریخهایی که ادعا شده مرقد زینب کبری در دمشق، روستای راویه است، پی می گیریم: - در شرح حال سیده نفیسه (145 - 208ق) دختر حسن انور بن ابلج بن امام حسن مجتبی (ع) آمده که وی در سال 193 وارد مصر شد. در مسیر حرکت از مدینه به مصر، مرقد زینب کبری در دمشق را زیارت کرد. این مطلب در کتابهای دو تن از معاصران: احمد فهمی محمد (24) و توفیق ابوعلم (25) بدون ذکر مأخذ آمده است.

در این کتابها علاوه بر مرقد زینب کبری، زیارتگاههای دیگری نیز ذکر شده که سیده نفیسه آنها را زیارت کرده است. عبارت پردازیها نشان می دهد که نویسنده حدس زده سیده نفیسه در مسیر حرکت به مصر این اماکن را هم زیارت کرده است؛ چون در نظر نویسنده مسلم بوده که زینب کبری در دمشق مدفون است و عادتاً وقتی

سیده نفیسه به آن شهر رفته، این مرقد و مراقد معروف دیگر را هم زیارت کرده است. جهت روشن شدن این امر خلاصه ترجمه عبارت «کریمة الدارین» را می آورم:

«سیده نفیسه در سایه پدرش با نشاط زندگی می کرد. تا اینکه اسحاق موعتمن با او ازدواج کرد و برهه ای از زمان را در مدینه به سر برد. سیده نفیسه به زیارت پدرش ابراهیم خلیل شتافت. مراسم حج را در آن سال بجا آورد و سپس به مدینه بازگشت تا مزار جدش پیامبر (ص) را زیارت کند. در این سفر همسرش او را همراهی می کرد. سپس رهسپار زیارت مقام ابراهیم خلیل شد و زیارت مقامهای انبیا و قبور صحابه مانند ابوعبیده و اوس و ابودرداء و شرحبیل بن حسنه و غیر آنها را فراموش نکرد.

همان گونه که در غوطه دمشق (26) مقام سیده زینب ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب را زیارت کرد. او پس از مصیبت برادرش حسین (ع) درگذشت و در غوطه دمشق مدفون گردید و آن معروف به قبر ستّ است. سپس متوجه زیارت قبر صحابی، مدرک فزاری شد و آن در غرب مزار سیده زینب است.»

نویسنده پس از آن، یادآور شده که سیده نفیسه به زیارت قبر فاطمه دختر امام حسن (ع) و فضا رفت و بزرگان شام به استقبال او رفتند و از او درخواست دعا کردند. (27)

جهت پرهیز از اطاله سخن، متن عربی را نیاوردیم. مراجعه به متن عربی، روشن تر نشان می دهد که نویسنده در حال قلم فرسایی و ذکر حدسیات خود است.

- به ابن عساکر (م561ق) نسبت داده اند که او مزار زینب کبری را در دمشق نوشته است و نیز به او نسبت داده اند که مزار آن حضرت را مصر ضبط کرده است. در حالی که ابن عساکر اصلاً مزار زینب کبری را در کتاب معروف و مبسوط خود تاریخ مدینه دمشق تعیین نکرده است. وی هنگام ذکر مساجد دمشق می نویسد:

«مسجد راویة مستجد علی [قبر] أم کلثوم. و أم کلثوم هذه لیست بنت رسول الله (ص) التي كانت عند عثمان؛ لأن تلك ماتت فی حياة النبی (ص) و دفنت بالمدينة و لا هی أم کلثوم بنت علی من فاطمة التي تزوجها عمر بن الخطاب (رض) لأنها ماتت هی و ابنها زید بن عمر بالمدينة فی یوم واحد و دفنا بالبقيع. و إنما هی امرأة من أهل البيت سمیت بهذا الاسم و لایحفظ نسبها؛ (28)

مسجد راویه بر قبر ام کلثوم است. این ام کلثوم دختر رسول خدا (ص) نیست که همسر عثمان بود؛ زیرا او در زمان حیات پیامبر (ص) از دنیا رفت و در مدینه دفن گردید. همچنین دختر علی (ع) از فاطمه (س) نیست که عمر بن خطاب (رض) با او ازدواج کرد؛ زیرا او و پسرش زید بن عمر در مدینه و در یک روز درگذشتند و در بقیع مدفون گردیدند.

این شخص زنی از اهل بیت به نام ام کلثوم است که نسبش حفظ نشده است.»

بنابر این از عبارت ابن عساکر به دست نمی آید که مزار زینب کبری در دمشق است. اگر او بر این باور بود که این ام کلثوم همان زینب کبری است، مسلماً تصریح می کرد، بلکه تصریح کرده که نسب او معلوم نیست و این به روشنی نشان می دهد او مزار زینب کبری را در دمشق نمی دانسته است.

در تاریخ مدینه دمشق، در بخش مربوط به شرح حال زینب کبری اشاره ای به مدفن زینب کبری نشده است. (29)

- ابوالحسن علی بن ابی بکر هروی (م611ق) نوشته است:

«راویة قرية من أعمالها بها قبر أم کلثوم؛ (30)

راویه روستایی در اطراف دمشق است و در آن قبر ام کلثوم است.»

از این عبارت به دست نمی آید که مراد او زینب کبری است؛ زیرا نام پدر یا مادر یا مشخصه دیگری را ذکر نکرده تا بتوان دریافت شخص مدفون کیست.

- ابوالحسن محمد بن احمد بن جبیر (م614ق) در سفرنامه اش می نویسد:

«و من مشاهد أهل البيت - رضی الله عنهم - مشهد أم كلثوم ابنة علی بن أبیطالب - رضی الله عنهما - و يقال لها: زینب الصغری. و أم كلثوم كنية أوقعها عليها النبی - صلی الله علیه و سلم - لشبهها بابنته أم كلثوم - رضی الله عنها - و الله أعلم بذلك.

و مشهدها الکرم بقرية قبلی البلد يعرف براوية علی مقدار فرسخ و علیه مسجد کبیر و خارجه مساکن و له أوقاف. و أهل هذه الجهات يعرفونه بقبر الست أم كلثوم. مشینا إلیه و تبنا به و تبرکنا برؤيته؛ (31)

از جمله زیارتگاههای اهل بیت (ع) مزار ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب است و به او زینب صغری می گویند. ام کلثوم کنیه ای است که پیامبر (ص) بر او نهاد؛ زیرا او شباهت زیادی به ام کلثوم دختر پیامبر (ص) داشت. خداوند به این امر آگاه تر است.

بارگاه گرامی او در روستایی معروف به راویه در یک فرسخی شهر است. مسجد بزرگی بر آن بنا گردیده و خانه هایی بیرون آن است و دارای موقوفاتی می باشد. مردم آنجا آن را قبر ست ام کلثوم می شناسند. آنجا رفتیم و بیتوته کردیم و متبرک به زیارت آن شدیم.»

جمله «والله أعلم بذلك» تردید ابن جبیر نسبت به شنیده ها را نشان می دهد. با توجه به این عبارت و اینکه وی در قرن ششم به دمشق سفر کرد، می توان گفت: در آن قرن همراه با تردید شایع بوده که مزار معروف در دمشق، متعلق به زینب دختر امام علی (ع) بوده و مادر او هم حضرت فاطمه بوده است؛ زیرا در زمان حیات پیامبر (ص) امام علی (ع) همسری غیر از حضرت زهرا (س) نداشت.

پس از ابن جبیر تا چند قرن کسی ننوشته که ام کلثوم همان زینب دختر امام علی (ع) است. بنابر این می توان حدس قوی زد که این مطلب استنباط ابن جبیر است و در میان مردم چنین چیزی شایع نبوده است. نکته دیگر اینکه بنا به تحقیق گسترده ای که انجام دادیم، امام علی (ع) از حضرت زهرا (س) دو دختر به نامهای زینب کبری و ام کلثوم داشته و بعضی ام کلثوم را زینب صغری نامیده اند. ظاهراً مراد ابن جبیر از زینب صغری دختر دوم امام علی (ع) است نه زینب مورد بحث. اگر مراد او زینب کبری بود عادتاً به روشنی آن را بیان می کرد. اما باید توجه داشت که دختر دوم امام علی (ع) در زمان حیات امام حسن (ع) از دنیا رفت و در روز عاشورا زنده نبود.

- یاقوت حموی (م624ق) در معجم البلدان ذیل «راویه» می نویسد:

«قرية من غوطة دمشق بها قبر أم كلثوم؛

راویه روستایی در غوطه دمشق است که قبر ام کلثوم آنجا می باشد.»

- عزالدین محمد بن علی معروف به ابن شداد (م684ق) می نویسد:

«راوية بها قبر أم كلثوم؛ (32)

در راویه قبر ام کلثوم است.»

طبق نوشته محمد حسنین سابقی، در نسخه ای دیگر از این کتاب آمده است که شخص مدفون، زینب دختر امام علی (ع) از فاطمه (س) است. (33)

چنین مطلبی در پاورقی «الاعلاق الخطیره» آمده اما تصریح شده که شارحی به عبارت فوق، حاشیه زده که ام

کلثوم همان زینب دختر امام علی (ع) از فاطمه (س) است. بنابر این نمی توان چنین مطلبی را به ابن شداد نسبت داد؛ بلکه از شخص مجهولی است که نمی دانیم در چه قرنی می زیسته است.

- عمادالدین حسن بن علی طبری تألیف کتاب کامل بهایی را در سال 675ق به پایان رساند. وی می نویسد:

«روایت آمد که ام کلثوم خواهر امام حسین (ع) در دمشق متوفی شد.» (34)

گذشته از اینکه نویسنده مشخص نکرده که مرادش کدام خواهر امام حسین (ع) است، با توجه به عبارت قبل و بعد متن فوق، بعید نیست نویسنده می خواهد بگوید که ام کلثوم در مسیر حرکت، پیش از رسیدن به مدینه در دمشق درگذشت. در حالی که می دانیم زینب کبری به مدینه رسید و بعد از آن از دنیا رفت. عبارت کامل بهایی چنین است:

پس یزید امام زین العابدین را خواند و پیش خود بنشاند و استمالتهای بسیار کرد و گفت: لعنت بر پسر مرجانه باد. اگر من صاحب پدر تو بودم نگذاشتمی که کار بدین مقام رسیدی و آنچه او از من خواستی بدادمی و حاجت او روا کردم و لیکن قضا گذشت. باید که چون به مدینه رسی هرکار و حاجتی که باشد، بنویس.

و امام را خلعت بداد و زنان را تشریفها فرستاد و لیکن گویند که اهل بیت هیچ قبول نکردند.

و روایت آمد که ام کلثوم خواهر امام حسین (ع) در دمشق متوفی شد. یزید عمر بن خالد قرشی را بخواند و گویند: نعمان بشیر را و عمر موءمن بود و اعتقاد پنهان داشتی و سیصد مرد بدو داد و گفت: این کودک و عورات را به مدینه رسان باید که به شب راه روی نه به روز تا ایشان را نه بینی و چون فرود آئی دور باشی. عمر بن خالد شرائط قبول کرد و ایشان را به سلامتی به مدینه رسانید.

چون به مدینه رسیدند، مردان و زنان با نوحه و زاری استقبال کردند و مدتی تعزیت حسین داشتند.

- محمد حسنین سابقی از شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی (م748ق) نقل می کند که او مرقد زینب کبری همسر عبدالله بن جعفر را در دمشق ذکر کرده است. (35)

اما مراجعه به کتاب ذهبی به روشنی نشان می دهد که وی مدفن حضرت را ذکر نکرده است. ذهبی می نویسد:

«زینب بنت علی بن أبیطالب الهاشمية ولدت فی حیاة جدّها رسول الله - صلی الله علیه و سلم - و كانت عاقلة لبیبة ولدت من عبدالله بن جعفر علیاً و عوناً و عباساً و أم کلثوم فی دمشق؛ (36)

زینب دختر علی بن ابی طالب هاشمی در زمان حیات جدش رسول خدا (ص) زاده شد و شخص عاقل و سخنوری بود که از عبدالله بن جعفر این فرزندان را به دنیا آورد: علی، عون، عباس و ام کلثوم در دمشق.»

روش ذهبی این گونه است که در پایان مطالب، مأخذ را ذکر می کند. در اینجا هم بعد از *منبع سخنش را آورده است و شاید مراد او کتاب تاریخ مدینه دمشق، تألیف ابن عساکر باشد که عبارت او را تلخیص کرده است.

- ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن بطوطه (م770ق) می نویسد:

«و بقرية قبلى البلد (أی دمشق) و علی فرسخ منها مشهد أم کلثوم بنت علی بن أبیطالب من فاطمة - علیهم السلام - و يقال: إن اسمها زینب و کتّاهما النبی - صلی الله علیه و سلم - أم کلثوم لشیبهها بخالتها أم کلثوم بنت رسول الله صلی الله علیه و سلم - و علیه مسجد کبیر و حوله مساکن و له أوقاف. و یسمّیه أهل دمشق قبر الست أم کلثوم؛ (37)

در روستایی در یک فرسخی دمشق مزار ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب (ع) و فاطمه (س) [است. می گویند: نام او زینب است و کنیه «ام کلثوم» را پیامبر (ص) بر او نهاد؛ زیرا او شباهت به خاله اش ام کلثوم دختر پیامبر (ص) داشت.

بر مزار او مسجد بزرگی بنا گردیده و خانه هایی در اطراف آن است و دارای موقوفاتی می باشد. اهل دمشق آن را قبر ستّ ام کلثوم می نامند.»

عبارت فوق، شباهت زیادی به سفرنامه ابن جبیر دارد که عین آن گذشت. ظاهراً چنین عبارتی در واقع نقل سخن ابن جبیر است. به فرض که گفته خود او باشد کلمه «یقال» تردید ابن بطوطه را به صحت این امر نشان می دهد.

- بنا به گفته محمد حسنین سابقی از کتاب دست نویس سید عبدالرزاق مقرّم (م 1391ق) املاکی در سال 768ق توسط سید حسین موسوی وقف مرقد حضرت زینب در دمشق شد. بخشی از عبارت وقف نامه در مورد مصرف اموال وقفی چنین است:

«... التي شرفت بقبرها قرية راوية شقيقة السبطين و بضعة البضعة المحمدية و الجوهرة الأحمدية الفاطمية العلوية و رابطة عقد التولية السرمدية من خصها الله تعالى بالكرامة الأبدية السيدة الجليلة أم كلثوم زینب الكبرى بنت أسد الله الغالب الإمام الجلیل أميرالمؤمنین أبيالحسنین علی بن أبیطالب - كرم الله وجهه ...؛ (38) ... بانویی که روستای راویه به برکت قبرش شرافت یافته؛ خواهر سبطين و پاره تن پاره تن حضرت محمد (ص) و گوهر احمد و فاطمه و علی (ع)، و رابطه تولیت همیشگی، کسی که خداوند به او کرامت ابدی داده، سیده جلیله أم کلثوم زینب کبری دختر اسدالله الغالب امام علی بن ابی طالب (ع) ...»

با توجه به اینکه سید حسین موسوی زینب را ملقب به «کبری» کرده، می توان گفت: او نخستین کسی است که بدون تردید مزار موجود در دمشق را متعلق به زینب کبری دانسته است و از آن به بعد این مزار را به زینب کبری نسبت دادند.

اما شخصیت علمی واقف برای ما نامعلوم است. چه بسا او از عوام ثروتمند بوده است و حتی می توان احتمال داد او حتی سواد خواندن و نوشتن نداشته و کاتب، این مزار را به زینب کبری نسبت داده است. تأییدیه و گواهی علمای شام در حاشیه وقف نامه به معنای این است که وقف بر اساس موازین شرعی صورت گرفته نه اینکه انتساب قبر را تأیید کرده اند.

- ابوالبقاء عبدالله بدری (قرن 9) مرقد حضرت زینب دختر امام علی (ع) را در دمشق ذکر می کند و در ادامه، مشخصات او را چنین برمی شمرد:

«السيدة زینب الكبرى بنت الإمام علی بن أبیطالب - رضی الله عنهما - و هی أخت أم کلثوم الكبرى التي تزوجها عمر - رضی الله عنه - و كانتا مع أخيهما الحسين لما قتل؛ (39)

سیده زینب کبری دختر امام علی بن ابی طالب (رض) و خواهر ام کلثوم کبری است که عمر (رض) با او ازدواج کرد و هر دو هنگام شهادت برادرشان حسین (ع) همراه او بودند.

در قرن نهم و دهم به بعد بعضی مورخان مرقد زینب کبری را در دمشق ثبت کردند.

نتیجه:

از آنچه در مورد مزار دمشق گذشت، به دست می آید که تا قبل از قرن هشتم در منابع تاریخی، ضبط نشده است که مزار زینب کبری در دمشق است؛ بلکه نام مدفون را تنها «ام کلثوم» نوشته اند و بعضی هم وی را خواهر امام حسین (ع) دانسته اند و بعضی او را زینب صغری معرفی کرده اند و از هیچ کدام به دست نمی آید مرادشان زینب کبری است. گذشت که عبارت ابن بطوطه در واقع نقل سخن ابن جبیر است اما کلمه «صغری» پس از

«زینب» افتاده است. گاه نشانه های شک و تردید در عبارات آنها دیده می شود. با توجه به تحقیقی که انجام دادیم، کنیه زینب کبری «ام کلثوم» نیست و اینکه بعضی چنین پنداشته اند، استنباط خودشان است و مدرک تاریخی ندارد. اولین کسی که بدون تردید مزار را به زینب کبری نسبت داد، سید حسین موسوی در وقف نامه اش است و سپس چنین اشتباهی رواج یافت. گفتیم که شخصیت سید حسین موسوی برای ما معلوم نیست و چه بسا براساس شایعات، چنین مطلبی را در وقف نامه اش درج کرده است. مهم ترین منبعی که انتظار می رود مزار زینب کبری را در دمشق تعیین کند، کتاب مبسوط تاریخ مدینه دمشق است؛ چرا که نویسنده آن ابن عساکر شخصی پراطلاع و کم نظیر است؛ در حالی که او شخص مدفون در دمشق را مجهول النسب می داند. (40) روشن است که نقلهای مربوط به قرنهای هشتم و نهم به بعد حجت نیستند و مرقد زینب کبری امر کوچکی نیست که از مورخان پیشین پوشیده بماند. به هر حال مدرک قابل قبولی در مورد وجود مزار آن حضرت در دمشق وجود ندارد.

مدینه

مرحوم سید محسن امین چنین استنباط کرده است که مزار زینب کبری در مدینه است و برخی این دیدگاه را پذیرفته اند. دلیل امین این است که مسلماً آن حضرت وارد مدینه شد، اما خروج او از این شهر ثابت نشده؛ بنابر این در همان جا از دنیا رفته و در بقیع دفن گردید. از نظر او معین نبودن محل دقیق دفن، مشکلی را ایجاد نمی کند؛ زیرا شخصیت‌های دیگری از اهل بیت را سراغ داریم که اجمالاً می دانیم مزارشان در این قبرستان است اما محل دقیق آن معلوم نیست. (41) مشکلی اساسی که در این زمینه به نظر می رسد این است که اسامی مدفونین در بقیع حتی آنها که موقعیتی پایین تر از زینب کبری دارند، در کتب مضبوط است، هرچند محل دقیق دفن، معلوم نیست و مزارشان از بین رفته است. اگر آن حضرت در بقیع مدفون بود، با توجه به شخصیت آن بزرگوار و با توجه به اینکه این قبرستان همواره در طول تاریخ مورد توجه مورخان بوده، در منابع ضبط می شد، در حالی که چنین نیست. به عنوان نمونه ابوزید عمر بن شبه نمیری (173 - 262ق) در کتاب تاریخ «المدینه المنوره» نام عده ای از اصحاب مدفون در بقیع حتی آنان که رتبه ای پایین تر از حضرت زینب دارند، ذکر کرده اما نام آن حضرت در میانشان نیست. در خور توجه است که از مقدمه محقق برمی آید که این کتاب، ناقص به ما رسیده است؛ اما محقق، محل تقریبی موارد اسقاطی را نشان داده است که شامل قسمت مورد نظر نیست.

نتیجه کل بحث

به نظر می رسد که هیچ کدام از سه مزار منسوب به آن حضرت در مصر و دمشق و مدینه، مدرک قابل اعتمادی ندارند. جهت کشف مزار واقعی باید منتظر تحقیق جامع تر بود یا با چاپ نسخه های خطی که در دسترس نیستند، حقیقت امر روشن گردد. در خور توجه است که مشاهده کرامت در مزارها دلیل صحت انتسابها نیست؛ زیرا به فرض پذیرفتن کرامت‌های

منقول، حاجتمندان و متوسلان، در واقع به امام زاده واقعی متوسل می شوند و هر کس در هر جا به امام یا امام زاده ای توسل جوید، ممکن است خواسته اش برآورده شود.

توضیح پایانی پیام زن:

کاملاً روشن است که حتی احتمال صحت هر یک از موارد یاد شده یا هر مرقد احتمالی دیگری از خاندان اهل بیت (ع) نیز موجب احترام و قداست آن مکان هاست، به ویژه اگر در نگاه مؤمنان به عنوان زیارتگاه عملاً پذیرفته شده است. بنابراین، این بحث علمی و پژوهشی هیچ گاه مایه تردید در قداست و لزوم احترام و امکان تبرک جستن و زیارت کردن و اجر بردن و استفاده از برکات آن مکان های مقدس نخواهد بود.

پی نوشت ها :

1. این کتاب توسط عیسی سلیم پور اهری ترجمه و با عنوان «پژوهشی پیرامون بارگاه حضرت زینب» توسط دفتر نشر نوید اسلام چاپ شده است. در تدوین این مقاله از این اثر نیز بهره برده ایم.
2. اخبار الزینبات، به کوشش سید محمد جواد مرعشی نجفی، ص 120 - 122.
3. ر.ک: حسن المحاضرة، سیوطی، ج 1، ص 99.
4. ر.ک: الغارات، ج 1، ص 274.
5. ر.ک: الغارات، ج 1، ص 274 - 275 و النجوم الزاهرة، ج 1، ص 108.
6. ر.ک: تهذیب الکمال، ج 27، ص 574 و النجوم الزاهرة، ج 1، ص 133.
7. ر.ک: النجوم الزاهرة، ج 1، ص 133.
8. ر.ک: تحقیقی در باره روز اربعین حضرت سید الشهداء، شهید محمد علی قاضی طباطبایی، ص 54 - 55.
9. سیده زینب، حسن محمد قاسم مصری، ص 75، به نقل مرقد العقیله زینب.
10. مراقد اهل البيت فی القاهرة، ص 54 - 55.
11. الطبقات الکبری، شعرانی، ج 1، ص 23، به نقل مرقد العقیله زینب.
12. الطبقات الکبری، ج 2، ص 135.
13. تحفة الاحباب و بغیة الطلاب، ص 94.
14. الخطط التوفیقیة الجديدة، ج 5، ص 29.
15. الخطط المقریزيه، ج 3، ص 193 و الانتصار، ج 4، ص 65، به نقل پژوهشی پیرامون بارگاه حضرت زینب، ص 50.
16. الکواکب السیاره، ص 30.
17. همان.
18. جهت آشنایی بیشتر با خلفای فاطمی و توجه آنان به اهل بیت، رجوع کن: پژوهشی پیرامون بارگاه حضرت زینب (س)، ص 63 - 67.
19. این موارد را از کتاب مرقد العقیله زینب گرفتیم و به هر کتابی که قابل دسترس بود، مراجعه کردیم و به صحت آنها پی بردیم.

20. ر.ک: حسن المحاضرہ، ص. 81
21. مراد زیارتگاههای غیر معتبری است که منشأ آنها خواب دیدن است.
22. پژوهشی پیرامون بارگاه حضرت زینب (س)، ص. 57
23. الخطط التوفیقیة الجديدة، ج5، ص. 27
24. کریمۃ الدارین الشریفہ الطاهرہ السیدہ نفیسہ بنت الحسن الانور، ص. 25
25. السیدہ نفیسہ، ص. 114
26. غوطہ منطقہ ای در شام با آب و درخت فراوان است. (ر.ک: صحاح جوهری)
27. کریمۃ الدارین، ص. 25 - 27
28. تاریخ مدینۃ دمشق، ج2، ص. 309 - 310
29. ر.ک: تاریخ مدینۃ دمشق، ج69، ص. 174 به بعد.
30. الاشارات الی معرفة الزیات، ص. 12
31. رحلة ابن حبیر، ص. 228
32. الاعلاق الخطیره، تحقیق سامی دھان، مجلد مربوط بہ دمشق، ص. 182
33. مرقد العقیلہ زینب، ص. 152
34. کامل بهایی، ص. 302
35. مرقد العقیلہ زینب، ص. 152
36. تجرید اسماء الصحابہ، ج2، ص. 273
37. رحلة ابن بطوطہ، بیروت، ص. 117
38. متن کامل وقف نامہ در کتاب مرقد العقیلہ زینب از صفحہ 145 - 150 آمده است.
39. نزہۃ الانام فی محاسن الشام، ص. 221 - 224
40. ر.ک: تاریخ مدینۃ دمشق، ج2، ص. 309 - 310
41. ر.ک: اعیان الشیعہ، ج7، ص. 140